



دوران ساسانی بود که مفهوم آدینه (یعنی روز گرد آمدن) در ایران زمین فراگیر شد. این بعد از ظهور اسلام به جمعه (روز جمع شدن) ترجمه شد که همان معنا را می‌دهد.

آیین یلدا چه کارکردهای هویتی و فرهنگی دارد؟

یلدا در اصل از آیین مهر باقی مانده است، یعنی جشن تولد ایزد مهر است که بنا به اسطوره‌های دیرین در تاریک‌ترین شب سال اتفاق می‌افتد. این را باید به یاد داشت که دین زرتشتی که برای بیش از هزار سال دین اکثریت مردم ایران بوده، پیوندهایی بسیار نزدیک با آیین باستانی مهر داشته و مضمون تقدیس نور و عشق و خورشید و همچنین اخلاق جنگاوران در آن مرکزیت داشته است. پس از دوران اسلامی هم این پیکره تقریباً دست نخورده باقی می‌ماند و در قالب عرفان ایرانی بازتولید می‌شود. یلدا یکی از آیین‌های کلیدی در این چارچوب است. در میان چهار جشن بزرگ فصلی، تیرگان به بزرگداشت آب می‌پردازد و دو تای دیگر یعنی یلدا و مهرگان به میترا مربوط می‌شوند. یلدا جشن زایش خورشید است و مهرگان به نوعی جشن بر تخت نشستن میترا یا آسمانی است.

نوروز چطور؟ آیا نوروز برای بزرگداشت مهر مناسب‌تر نمی‌بود؟ چون

بالاخره از نوروز است که طول روز کم از شب بیشتر می‌شود.

دقیقاً، ما دو اعتدال سالانه داریم و شگفت آن که اعتدال بهاری که با نوروز مصادف است، نه برای بزرگداشت خورشید آسمانی، که برای بزرگداشت روان انسانی اختصاص یافته است. فروردین اصولاً یعنی ماه فروهرها و فروهر نفس انسان یا همان روح نیاکان نیکوکار است یعنی بزرگترین جشن ایرانی، در ضمن بزرگداشت مقام انسان و آیینی برای تقدیس «من» هم هست. این انسان کاملی که در نوروز تقدیس می‌شود، البته خود با آیین مهر پیوند دارد. چون جمشید بنیانگذار نوروز است و او صورت زمینی مهر محسوب می‌شود.

پس میان نوروز و یلدا هم تناسبی هست؟

دقیقاً، به همان ترتیبی که یلدا و مهرگان جلوه‌های مینویی و آسمانی تقدس را به صورت نور و خورشید نشان می‌دهند، نوروز و تیرگان صورت‌های زمینی همین مفهوم را نمایش می‌دهند. تیرگان در واقع بزرگداشت سرزندگی طبیعت و باروری زمین است و نوروز به انسان اشاره می‌کند، در مقام جلوه زمینی مهر. در یلدا خورشید اختر است که زاده می‌شود و در نوروز خورشیدی زمینی یعنی انسان است که بزرگ دانسته می‌شود.

فلسفه وجودی یلدا چیست؟

تمام رمزپردازی‌های یلدا به همین پیوندش با خورشید بازمی‌گردد. زمان جشن هنگامی انتخاب شده که طولانی‌ترین شب سال را داریم و پس از آن چیرگی تدریجی نور بر ظلمت را داریم و روزها مدام طولانی‌تر و شب‌ها کوتاه‌تر می‌شوند، تا برسیم به نوروز و بعد مهرگان که این دو برابر می‌شوند و نماد مهم میترا یعنی دادگری و عدالت برآورده شود.

از ترکیب خوراک‌های یلدایی تا مناسک شعرخوانی و گپ‌وگفت‌های

دورهمی تاپاسی از شب، چه معنایی می‌شود دریافت کرد و چه

کارکردهایی را دید؟

بخشی از این مناسک به آداب زندگی کشاورزی مربوط می‌شود. مثلاً خوردن آجیل اصولاً در دوران قدیم کاری رایج در فصل سرد و زمستان بوده است و نماد برکت و لذت‌های نهفته در خوراکی‌های زمینی است. برخی هم نمادپردازانه‌تر هستند. مثلاً آثار دست‌کم از دوران هخامنشیان علامت ایزدانوی آن‌هایتا بوده که خود مادر مهر قلمداد می‌شده است. هندوانه میوه‌ای جدیدتر است و چنان که از نامش برمی‌آید از هند آمده، اما آن هم به نظرم به خاطر دانه‌های پرشماری که دارد در این جشن گنجانده شده. رنگ سرخ و داشتن دانه‌های بسیار، نماد سرزندگی و باروری بوده و اینها خویشکاری‌های مهم آن‌هایتا بوده است.

دلالت‌های اخلاقی و فلسفی آیین یلدا در تمدن ایرانی چگونه بوده است؟

و ما امروز چگونه می‌توانیم این دلالت‌ها را در معنا بخشی به زندگی روزمره به کار بگیریم؟

تنها به یک نکته اشاره کنم؛ یلدا در تاریک‌ترین شب سال برگزار می‌شود، یعنی ما ایرانی‌ها جشن بزرگداشت نور را در قلب تاریکی برگزار می‌کرده‌ایم. این به نظرم معنا دار است. از سویی خاستگاه امید و سرسختی مشهور ایرانی‌ها در برابر بلاهای طبیعی و غیرطبیعی را نشان می‌دهد و از سوی دیگر به حقیقتی اشاره می‌کند که روشن‌ترین اختران در تیره‌ترین شب‌ها زاده می‌شوند.

حالا که کرونا آیین یلدا را نیز مانند نوروز تعطیل کرده است آیا می‌شود

بخشی از کارکردهای آن را در فضای مجازی احیا کرد؟

بی‌شک می‌توان چنین کرد و از همین حالا نمودهای چنین حرکتی در اطراف دیده می‌شود. کرونا هم البته رخدادی مهم و جالب توجه، اما گذراست و زندگی باز به روال سابق باز خواهد گشت و امیدوارم به شکل‌هایی دلپذیرتر و خردمندانه‌تر و نزدیک‌تر به آیین مهر بازگشت کند، به آن شکلی که سزاوار مردمی چنین کهن و با فرهنگ باشد.



شب چله و دلالت‌های فرهنگی-هویتی آن

در گفت‌وگو با دکتر شروین وکیلی جامعه‌شناس و اسطور دپژوه

بزرگداشت نور در قلب تاریکی

شکلی خام در ادبانی مثل یهودیت و مناسک ایزدان بابلی وجود داشته، اما رواج و فراگیر شدنش به خاطر رونق آیین مانی است و زمانش به ابتدای عصر ساسانی برمی‌گردد. مانویان بودند که مراسم هفتگی منظمی را برگزار می‌کردند و پیوندهای میان هفت روز هفته و هفت اختر و هفت فلز و هفت اندام را خود مانی ابداع کرد. در همین چارچوب و در

تمام رمزپردازی‌های یلدا به پیوندش با خورشید باز می‌گردد. زمان جشن هنگامی انتخاب شده که طولانی‌ترین شب سال را داریم و پس از آن چیرگی تدریجی نور بر ظلمت را داریم و روزها مدام طولانی‌تر و شب‌ها کوتاه‌تر می‌شوند، تا برسیم به نوروز و بعد مهرگان که این دو برابر می‌شوند و نماد مهم میترا یعنی دادگری و عدالت برآورده شود



خورشید بهشتی/ شب یلدا یا درست‌تر بگوییم شب چله نزدیک است و اگر روزگار سرنوشت بشر را با یک ویروس تاجدار گره زده بود الان باید تدارک می‌همانی‌ها و دورهمی‌های بزرگ را می‌دیدیم و خیابان‌ها از تب خریدهای یلدایی مان داغ بود؛ اما چنین نیست و به خاطر جان عزیزان مان هم که شده ما هم مثل سایر مردم دنیا آیین‌های سنتی مان را در جمع‌های کوچک خانه و با امکانات دنیای مجازی برپا می‌کنیم. اما شب یلدا از منظر نظام اسطوره‌ای و کارکردهای فرهنگی و هویتی نماد چیست و چه معنایی ضمنی یا صریحی دارد. در این باره پای صحبت دکتر شروین وکیلی پژوهشگر ایرانی حوزه فرهنگ، تاریخ و اسطوره‌شناسی نشستیم. او مدیریت گروه جامعه‌شناسی تاریخی در انجمن جامعه‌شناسی ایران را برعهده دارد و از آثار او می‌توان به کتاب‌های «جامعه‌شناسی تاریخی مکان ایرانی»، «اسطوره‌شناسی پهلوانان ایرانی» و کتاب «جامعه‌شناسی جوک و خنده» اشاره کرد.

یکی از آیین‌های جمعی ما ایرانی‌ها یلدا است که مانند نوروز پاس داشته می‌شود و عزیز است. خاستگاه این جشن چیست و در رده چه نوع مراسمی می‌گنجد؟

یلدا یکی از جشن‌های سالانه ایرانی است، چنان که می‌دانید، تمدن ایرانی قدیمی‌ترین نظام گاهشماری منظم مبتنی بر اخترشناسی ریاضی را دارد و به همین خاطر از زمانی بسیار دوردست –از ابتدای عصر هخامنشی– تقویم خورشیدی دقیقی در ایران رایج بوده است. در این نظام گاهشماری ضرابهنگ‌های زندگی اجتماعی با جشن‌ها و مراسمی عمومی تعیین می‌شود که هم ماهانه هستند و هم سالانه. ما در ایران قدیم به ازای هر ماه یک جشن بزرگ و تقریباً به ازای هر فصل یک آیین جمع باشکوه داشته‌ایم. آیین‌های فصلی عبارتند از: نوروز، مهرگان، یلدا، تیرگان و جشن‌های ماهانه هم در روزهایی برگزار می‌شده که نام روز و ماه یکی است. دو تا از آیین‌های فصلی ما (مهرگان و تیرگان) در اصل جشن ماهانه بوده‌اند که به مرتبه نماینده فصل پاییز و زمستان برکشیده شده‌اند. گذشته از اینها البته شش گاهنبار را هم داریم که جشن‌های زرتشتی مربوط به کشاورزان است.

آیین‌های هفتگی را نباید در این رده گنجانند؟

چرا، یک چرخه دیگر که هفتگی است از همان دوران هخامنشی به